

Lived experience of betrayed women in marital relationship in Sanandaj

Received: 26 - 12 - 2019

Accepted: 11 - 3 - 2020

Ahmad Amani

ahmad_counsellor@yahoo.com

Ph.D counseling, Associate Professor of Family Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, sanandaj, iran. **(Corresponding Author)**

Kamal Khalegh Panah

Assistant Professor of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, sanandaj, iran

Asrin Mohamadi

MA of Family Counseling, Scientific Counseling Association, University of Kurdistan, sanandaj, iran

Abstract

Marital relationship is a multifaceted relationship that is influenced by various factors and challenges that marital infidelity is one of the most damaging of these challenges. Infidelity is a breach of commitment in a two-way relationship with a degree of emotional and physical intimacy with a non-spouse that can destroy the relationship. The purpose of this study is to investigate the lived experience of women affected by meta-marital relationships. The research was done by qualitative method and by phenomenological method and Colaizzi analysis. In-depth and semi-structured interviews were conducted with 14 women that selected through purposive sampling affected by meta-marital, referred to two counseling centers in Sanandaj, Participant citations were collected, recorded, analyzed, and coded into major and subcategories. Finally, 68 primary codes, 13 sub-themes, and 3 main themes were obtained. The three main themes include increased life problems, disturbance of mind, and disturbances in communication functions. According to the findings, infidelity can have many negative consequences for women and the whole family. The reaction to infidelity is different in women and knowing the experiences of betrayed individuals and understanding their psychological and expectations states, makes it possible that by training traitorous spouses, reducing destructive encounters and by fulfilling the expectations and needs of the betrayed spouse, improving the problem and stays in the relationship

Key words: *women, marital infidelity, life experience, phenomenology*

citation

Amani, A., Khalegh Panah, K., & Mohamadi, A. (2020). Lived experience of betrayed women in marital relationship in Sanandaj. *Family Counseling and Psychotherapy*, 2, 255- 272.

تجربه زیسته زنان آسیب‌دیده از روابط فرزندناشویی همسر در شهر سنندج

دریافت: ۱۳۹۸-۱۰-۰۵ پذیرش: ۱۳۹۸-۱۲-۲۱

دکتری تخصصی مشاوره، دانشیار گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)	احمد امانی ahmad_counsellor@yahoo.com
استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران	کمال خالق پناه
کارشناس ارشد مشاوره خانواده، انجمن علمی مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران	اسرین محمدی

چکیده

رابطه زناشویی، یک رابطه چندوجهی است که متأثر از عوامل گوناگون و در معرض چالش‌های مختلفی قرار دارد که خیانت زناشویی یکی از آسیب‌زاترین این چالش‌ها است. خیانت، نقض تعهد در رابطه دو نفره، توأم با درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با شخصی غیر از همسر است که می‌تواند رابطه را با نابودی مواجه کند. بر این اساس هدف پژوهش بررسی تجربه‌ی زیسته‌ی زنان آسیب‌دیده از روابط فرزندناشویی است. پژوهش به روش کیفی و با راهبرد پدیدارشناسی توصیفی، شیوه تحلیل کلایزی انجام شد. ۱۴ زن آسیب‌دیده از روابط فرزندناشویی همسر، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی در شهر سنندج که به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس تا حد اشباع نظری انتخاب شدند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شد. نقل‌قول‌های مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری، ثبت، تحلیل و کدگذاری و در قالب مضمون‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردید و نتیجه تحلیل داده‌ها سبب دست‌یابی به ۶۸ کد اولیه، ۱۳ زیر مضمون و ۳ مضمون اصلی شد. سه مضمون اصلی عبارتند از افزایش مشکلات در زندگی، آشفتگی ذهن و نابسامانی در کارکردهای ارتباطی. بر اساس یافته‌های پژوهش، خیانت می‌تواند پیامدهای منفی بسیاری بر زنان آسیب‌دیده و البته کل خانواده بگذارد. واکنش به خیانت در زنان مختلف، متفاوت است و آگاهی از تجارب افراد خیانت‌دیده و شناخت حالات روانی و انتظارات آنان، این امکان را فراهم می‌کند که با آموزش همسران پیمان‌شکن از برخوردهای مخرب با مسئله کاست و با برآورده کردن انتظارات و نیازهای فرد مورد بی‌وفایی قرار گرفته، احتمال بهبود او و ماندن در رابطه را افزایش داد.

واژگان کلیدی: زنان، خیانت زناشویی، تجربه زیسته، پدیدارشناسی

امانی، احمد؛ خالق پناه، کمال و محمدی، اسرین. (۱۳۹۸). تجربه زیسته زنان آسیب‌دیده از روابط فرزندناشویی

همسر در شهر سنندج، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲، ۲۷۲-۲۵۵.

ارجاع

مقدمه

رابطه‌ی زناشویی، یک رابطه‌ی چندوجهی است که متأثر از عوامل گوناگونی بوده و در معرض چالش‌های مختلفی قرار دارد. خیانت زناشویی یکی از آسیب‌زاترین این چالش‌هاست که حتی می‌تواند رابطه را با نابودی مواجه کند (Moller & Vossler, 2015). اگرچه بیشتر مردم به شرکای جنسی خود وفادارند اما روابط فرازنشویی نیز وجود دارد و دلایل مختلفی برای این مسئله بیان شده است (Hall & Fincham, 2009). بر اساس یک تعریف کلی، روابط فرازنشویی؛ نقض تعهد در رابطه دونفره است که منجر به شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی دیگر می‌شود (Starratt et al., 2017). به‌طور معمول انتظار می‌رود که در یک رابطه دو شریک عاشق یکدیگر باشند و در فعالیت جنسی و عاطفی باهم شرکت کنند، اما در خیانت نفر سوم نیز وجود دارد (Starratt et al., 2017). خیانت برای برخی از افراد، به معنای داشتن رابطه‌ی جنسی و برای برخی دیگر به معنای داشتن رابطه‌ی عاطفی مخفیانه با فرد دیگری به‌جز همسر است (Guitar et al., 2017). خیانت اینترنتی نیز یک مسئله‌ی روبه‌رشد در قرن بیست و یکم است (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016). در پژوهشی نشان دادند که انواع فاکتورهای شخصی، رابطه‌ای و محیطی در بروز خیانت می‌توانند دخیل باشند. همچنین احتمال وقوع خیانت با مواردی نظیر جنسیت و نوع خیانت با کیفیت رابطه و ویژگی‌های شخصیتی شرکا در ارتباط است (Starratt et al., 2017).

کیفیت رابطه، تعهد و میزان رضایتمندی از رابطه، پیش‌بینی‌کننده خیانت هستند. به‌طور مشابه افرادی که از رابطه خود رضایت بیشتری دارند به احتمال کمتری دچار خیانت می‌شوند (Starratt et al., 2017). تعهد زناشویی، پایدارترین عامل پیش‌بینی کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (Mosko, 2009). در روابطی که دارای تعاملات منفی بیشتر مانند ارتباط ضعیف و خشونت روانی و فیزیکی هستند، احتمال وقوع خیانت از سوی افراد بیشتر است (Starratt et al., 2017). در پژوهش عسگرآباد و حاجی حیدری (۱۳۹۴) که به بررسی علل خیانت زناشویی از دیدگاه زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده به شیوه کیفی انجام شده است، نشان داده شده است که علل روان‌شناختی، مسائل مربوط به گذشته در روابط فرد خیانت‌کننده، مشکلات جنسی و عاطفی زوجین، سوء رفتار، ازدواج نامناسب و عدم حضور همسر در مسائل مربوط به روابط همسران و مسائل محیطی و اقتصادی در جامعه از جمله دلایل خیانت هستند. به‌طور خلاصه افراد در یک رابطه‌ی خوب کمتر تمایل دارند که با ارتکاب به خیانت رابطه‌ی خود را به خطر بیندازند (Starratt et al., 2017).

پژوهش‌های بسیاری بر پیامدهای منفی خیانت تأکید می‌کنند (Sear, 2015). حقیقت مسلم آن است که خیانت به افراد و روابط آن‌ها صدمه می‌زند (مؤمنی جاوید و نوبندگانی، ۱۳۹۳). همسران درگیر با مسئله خیانت در ابعاد هیجانی، جسمانی و روانی به خیانت واکنش نشان می‌دهند (بهرامی و رضوان، ۱۳۸۶). یکی از قوی‌ترین پیامدهای خیانت، حسادت جنسی است. حسادت جنسی یک مرحله احساسی است که ناشی از تهدید رابطه

عاشقانه توسط شخص دیگری است که انگیزه آن مقابله با تهدید و حفظ رابطه است. خشم و ترس و اضطراب و نگرانی، تجارب متداول کسانی است که دچار حسادت جنسی یا عاطفی شده‌اند (Sear, 2015).

مطالعات اخیر بر تفاوت‌های جنسیتی، جنبه‌های مختلف خیانت جنسی و احساسی متمرکز شده‌اند (Guitar et al., 2017). به‌عنوان مثال؛ مردان نسبت به زنان در برابر خیانت جنسی آشفتگی بیشتری نشان می‌دهند؛ همچنین، زنان در مقایسه با مردان نسبت به دل‌بستگی عاطفی شریک به یک رقیب، بیشتر دچار اختلال می‌شوند (Pazhoohi et al., 2017).

خیانت به‌طور مثبت با انحلال رابطه، فشار روانی، تغییرات منفی در رضایت از زندگی و کاهش سلامتی در ارتباط است (Sear, 2015). همچنین خیانت سبب کاهش احساس امنیت و ثبات می‌گردد (Fife et al., 2013). به‌علاوه از جمله پیامدهای خیانت زناشویی، خشونت خانوادگی و ناراحتی زناشویی و طلاق است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که حتی زمانی که زوجها پس از خیانت به زندگی مشترکشان ادامه می‌دهند تا یک سال با پریشانی روبه‌رو هستند (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افراد بعد از خیانت همسر تمایل کمتری برای ادامه رابطه عاشقانه خود دارند (Confer & Cloud, 2011). در پژوهش (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016) خیانت یک پیش‌بینی کننده قوی برای طلاق عنوان شده است و زمانی که زن مرتکب خیانت زناشویی می‌شود احتمال طلاق بیشتر است. خیانت، علاوه بر همه این پیامدهای منفی که بر روی زوج می‌گذارد، بر روی تمامی اعضای خانواده و به‌خصوص کودکان تأثیرگذار است (Silva et al., 2017). همچنین پژوهش کمالی، عامری، خسروی و رضمانی (۱۳۹۷) با عنوان تجارب زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر، یک مطالعه پدیدار شناختی به پنج درون‌مایه اصلی آشفتگی شدید جسمانی و روانی، احساسات ناخوشایند، اشتغال فکری مداوم با چرایی رویداد، نابسامانی در رابطه با همسر پیمان‌شکن و سوگ و حسرت اشاره شده است.

در سال‌های اخیر، مطالعه بر روی خیانت افزایش یافته است (Pinto & Arantes, 2016). این روند رو به رشد، ممکن است به علت تأثیرات چشمگیر خیانت بر روی روابط صمیمانه باشد (Silva, Saraiva, & Albuquerque, 2017). خیانت بخش قابل توجهی از افراد را درگیر خود کرده است (Blow & Hartnett, 2005)؛ اما آمار دقیقی درباره میزان شیوع روابط فرازناشویی در ایران وجود ندارد (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲) پژوهش‌ها در این زمینه مؤید آمار روبه افزایش این مسئله در ایران است (حسن‌آباد، مجرد و سلطانی فر، ۱۳۹۰؛ کمالی و همکاران، ۱۳۹۷) که افزایش مطالب حول موضوع خیانت تأییدی بر آمار روبه افزایش روابط فرازناشویی در ایران است (فتحی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ اما متأسفانه، از سوی کارشناسان و پژوهشگران به مسئله‌ی روابط فرازناشویی به‌عنوان زنگ خطر برای امنیت و سلامت افراد خانواده و جامعه، توجه جدی نشده است (احمدی، ۱۳۸۴). خیانت، یکی از متداول‌ترین مشکلاتی است که در زوج‌درمانی‌ها گزارش شده است و درعین حال یکی از مشکل‌ترین موارد درمان برای درمانگران است (Moller & Vossler, 2017).

2015). با توجه به آمار رو به افزایش خیانت در جامعه و واکنش‌های روان‌شناختی آسیب‌زای این مسئله در همسران خیانت‌دیده و البته توجه به این مسئله که خیانت یک پدیده‌ی خاص فرهنگی است که وابسته به نوع فرهنگ می‌تواند پیامدهای متفاوتی داشته باشد، لذا برای موفقیت درمانگران در جلسات درمان با موضوع بحث خیانت، لازم است که این موضوع در بافت فرهنگی خود، مورد پژوهش قرار گیرد. با توجه به آنچه تاکنون مطرح گردید و درک نقش تأثیرگذار فرهنگ بر خیانت و واکنش به آن و همچنین روند روبه رشد و نگران‌کننده‌ی مسئله روابط فرازناشویی در ایران که با ناپایداری در روابط، نرخ بالای طلاق و تأثیر عمیق بر روی سیستم‌های اجتماعی به‌خصوص خانواده‌ی هسته‌ای همراه است و با مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد خیانت زناشویی می‌توان دریافت که عمده‌ی پژوهش‌ها بر علل خیانت و از طرف دیگر به موضوع درمان این پدیده پرداخته‌اند و در این میان، حلقه‌ی مفقوده‌ای به نام فرد آسیب‌دیده وجود دارد که بدون در نظر گرفتن آن، بی‌شک درمان و ترمیم این مسئله‌ی بسیار آسیب‌زا با مشکل مواجه می‌گردد. درک تجربه‌ی زیسته‌ی افراد آسیب‌دیده به‌منظور ارائه‌ی تفسیر چندوجهی این پدیده در دنیای واقعی و متأثر از فرهنگ و زمینه، می‌تواند کمک بسیار شایانی برای مواجهه‌ی مناسب با این مقوله باشد. در کشورهای مختلف در خصوص علل و عوامل به وجود آورنده‌ی خیانت زناشویی و روش‌های درمان و پیشگیری آن، پژوهش‌ها و نظریات مختلفی ارائه‌شده است. درحالی‌که به دلیل حساسیت زیاد، دسترسی نداشتن به افراد و نیز واکنش شدید جامعه و قوانین به عاملان، پژوهش‌ها در این زمینه در ایران بسیار اندک و ناکافی و پژوهش علمی و چشمگیر در این زمینه صورت نگرفته است (شیردل، ۱۳۸۵).

لذا ما در این پژوهش درصدد آن هستیم تا با روش کیفی به مسئله‌ی خیانت زناشویی بپردازیم. البته از آنجا که آمار خیانت در مردان بیشتر از زنان است و با توجه به مطالب ذکرشده، پژوهش حاضر در پی آن است که تجربه‌ی زیسته‌ی زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناشویی همسر، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر سنج چگونه است؟

روش

این پژوهش از نوع پدیدارشناسی با رویکرد توصیفی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، کلیه‌ی زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی همسر، مراجعه‌کننده به دو مرکز مشاوره و روان‌درمانی در شهر سنج بود. روش نمونه‌گیری هدفمند و از مشاوران و روان‌درمانگران شاغل در مراکز مشاوره و روان‌درمانی نامبرده خواسته شد که به مراجعینی که شرایط ورود به پژوهش را دارند، اهداف پژوهش را توضیح داده و در صورت تمایل آنان به پژوهشگر ارجاع داده شوند. نمونه‌گیری تا حد اشباع نظری ادامه داشت و تعداد ۱۴ زن با احراز شرایط ورود و رضایت شخصی در این پژوهش شرکت کردند. هدف از این نمونه‌گیری آن بود که از طریق افراد انتخاب‌شده درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه حاصل گردد. پژوهش در پاییز و زمستان ۱۳۹۷ انجام

شد. معیارهای ورود شامل: -زنانی که ازدواج کرده باشند- از همسر خود خیانت دیده باشند- حداقل دارای تحصیلات دیپلم باشند- حداکثر ۲ سال از مواجه شدن با خیانت همسر گذشته باشد. انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به مورد زائد ادامه یافت و بعد آن یافته‌های حاصل، تکرار یافته‌های قبلی بود.

ابزار

فنون گردآوری داده‌ها برای این پژوهش‌ها عمدتاً مصاحبه‌ی عمیق و مشاهده‌ی مشارکتی است. با توجه به نگاه کلایزی که معتقد به ماهیت گفت‌وگویی این نوع پژوهش است، در این مطالعه از تکنیک مصاحبه بهره گرفته شد. در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختاریافته محقق ساخته با سؤالات باز پاسخ بهره گرفته شد. سؤالات مصاحبه بر اساس بیان مسئله، متون مرتبط با موضوع و پژوهش‌های قبلی استخراج شدند تا چهارچوبی برای مصاحبه تدوین شود و در ادامه پس از بررسی محتوای سؤالات، تعدادی از آن‌ها حذف و ویرایش شدند و در نهایت به تائید اساتید گروه مشاوره دانشگاه کردستان رسیدند و روایی صوری و منطقی آنان به دست آمد. با زنان خیانت دیده که شرایط ورود به پژوهش را داشتند مصاحبه انجام شد و مصاحبه با سؤالات کلی، جزئی، مستقیم و غیرمستقیم در مورد خیانت زناشویی و تجارب آن‌ها و دستیابی به اطلاعات عمیق تر تا حد اشباع مقوله و گرفتن اطلاعات عمیق ادامه داشت. پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است: واکنش زنان به افشای خیانت همسر چگونه است؟ تجربه خیانت همسر چه تأثیراتی بر روی زنان خیانت دیده داشته است؟ تعاملات و کارکردهای ارتباطی زنان خیانت دیده دچار چه تغییراتی شده است؟

شیوه اجرای پژوهش

کل مصاحبه‌ها به صورت دیجیتالی ضبط و بلافاصله کلمه به کلمه نوشته شدند. پس از نوشتن مصاحبه‌ها از روش مقبولیت داده‌ها با مرور دست‌نوشته‌ها توسط مشارکت کنندگان جهت رفع هرگونه ابهام در کدگذاری داده‌ها استفاده شد. برای این منظور، قسمت‌هایی از مصاحبه و کدگذاری‌ها در اختیار بانوان مشارکت کننده و اساتید مشاوره و روانشناسی قرار داده شد تا مفاهیم یکسان در رابطه با گفته‌ها به دست آید.

همچنین از اشباع داده‌ها نیز برای بالا بردن اعتبار استفاده شد و با جمع آوری سیستماتیک داده‌ها و با رعایت بی‌طرفی و بهره‌گیری از نظر متخصصین روی مصاحبه‌ها، کدها و دسته‌بندی کدهای مشابه و طبقات برای مقایسه‌ی بین آنچه محقق برداشت نموده با آنچه منظور مشارکت کنندگان بوده است، جهت قابلیت تعیین تائید داده‌ها استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل کلایزی که شامل هفت مرحله است و هم‌زمان با گردآوری داده‌ها انجام شده است. در مرحله‌ی اول مصاحبه‌ها کلمه به کلمه نوشته شد و متون مستخرج از آن‌ها چندین مرتبه به دقت مورد بازخوانی قرار گرفت. این کار برای درک کلی از تجارب مشارکت کنندگان انجام گرفت. در مرحله‌ی دوم متن نوشته‌شده‌ی مصاحبه‌ها به واحدهای معنی‌دار تقسیم شد. پس از تفکیک واحدهای معنی-

دار، واحدهای مرتبط با موضوع انتخاب شد. در مرحله‌ی سوم معنای هریک از عبارتهای مهم توضیح داده شد. در این مرحله سعی شد تا توصیف داده‌شده به این واحدهای معنایی، برگرفته از خود متن باشد. پس از اتمام کدگذاری کامل متن، کدهای تکراری حذف و با تشکیل دسته‌بندی جدید، معانی مشترک استخراج شد. در مرحله چهارم دسته‌بندی معنایی فرمول‌بندی شده انجام گرفت و معانی و مضامین مشترک در دسته‌بندی‌های متفاوت طبقه‌بندی شد. سپس برای هر طبقه یک عنوان خاص داده شد که اصطلاحاً مضمون‌های فرعی نامیده می‌شوند. مضمون‌های فرعی در حقیقت معنایی است که محقق به کدهای توصیفی می‌دهد. در مرحله پنجم مضمون‌های فرعی مورد جمع‌بندی قرار گرفت. در حقیقت مضمون‌های فرعی در ارتباط با هم و کنار هم قرار گرفتند. مرحله ششم، پس از جمع‌بندی مضمون‌های فرعی، مضمون‌های اصلی مورد تبیین قرار گرفت. در آخرین مرحله جهت اعتباریابی یافته‌ها استخراج‌شده، از بازگشت و اعتبار سنجی استفاده شد و کدگذاری به‌دست آمده همراه با نقل قول مشارکت‌کنندگان در اختیار تعدادی از مشارکت‌کنندگان و صاحب‌نظران قرار گرفت.

اخلاق پژوهش

کلیت و اهداف پژوهش برای هریک از مشارکت‌کنندگان توضیح داده شد و با کسب رضایت از آنان مصاحبه‌ها ضبط شد و بر اصل رازداری و محرمانه بودن اطلاعات تأکید گردید و به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد که فایل صوتی در اختیار کسی قرار داده نخواهد شد و از اسم مستعار برای حفظ حریم خصوصی استفاده خواهد شد؛ و به آنان اطمینان داده شد که در هر مرحله از انجام مصاحبه که تمایل به ادامه همکاری نداشتند می‌توانند انصراف دهند؛ و مصاحبه‌ها به‌صورت فردی انجام شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش از نظر سن، تعداد فرزند، میزان تحصیلات و همچنین وضعیت اشتغال موردبررسی قرار گرفت و به شرح زیر است:

میانگین سنی زنان مشارکت‌کننده در پژوهش ۳۲ سال و میانگین مدت‌زمان ازدواج برای مشارکت‌کنندگان ۱۰ سال و میانگین تعداد فرزند برای آنان ۱,۳ بود. همچنین ۳ نفر دارای تحصیلات دیپلم و ۶ نفر کارشناسی و ۵ نفر دارای تحصیلات کاردانی بودند. ۳ نفر از مشارکت‌کنندگان شاغل و ۱۱ نفر خانه‌دار بودند.

بر اساس مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان آسیب‌دیده از روابط فرازناسویی همسر، مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی نیکان و پرتو بامداد شهر سمنان، در جهت توصیف عمیق و غنی از تجربه این زنان از خیانت همسر و استفاده از روش تحلیل کلیدی، ۳ مضمون اصلی، ۱۳ مضمون فرعی و ۶۴ واحد معنایی (کد

اولیه) حاصل گردید که مضامین اصلی شامل افزایش مشکلات در زندگی، آشفتگی ذهن و نابسامانی در کارکردهای ارتباطی بود.

جدول ۱. مضامین اصلی و فرعی حاصل از تجربه زیسته زنان آسیب دیده از روابط فرزندناشویی همسر

مضمون اصلی	مضمون فرعی
افزایش مشکلات در زندگی	شیوه‌های مقابله ناکارآمد مشکلات هیجانی مشکلات روان‌تنی
آشفتگی ذهن	بدبینی نگرانی نشخوار فکری پشیمانی و خودسرزنشگری تصورات منفی نسبت به خود تغییر در ارزش‌ها و باورها و معنای زندگی
نابسامانی در کارکردهای ارتباطی	انزوا مشکلات ارتباطی با همسر منحرف کردن مشکلات به دیگران آشفتگی ساختار خانواده

۱- افزایش مشکلات در زندگی

افشای خیانت نه تنها بر روی فرد خیانت دیده بلکه بر روابط زوج و حتی روابط خانواده به صورت گسترده تأثیر می‌گذارد. خیانت سبب بروز مجموعه‌ای از تعارض‌ها، ناآرامی‌ها و تنش‌ها در زنان خیانت دیده می‌شود که بسیار گسترده‌تر از سایر مشکلات زناشویی است. زنان مشارکت‌کننده اذعان کردند که افشای خیانت، اختلافات را شدیدتر و مشکلات جدیدتری به وجود آورده است.

یکی از درون‌مایه‌های فرعی آن شیوه‌های مقابله ناکارآمد بود. از آنجاکه هر فرد با توجه به سبک شخصی و در اثر یادگیری، روش خاص خود را برای مواجه شدن با ناراحتی‌های ناشی از زندگی مشترک دارد. افشای خیانت شوکی ناگهانی و موجب برانگیختن احساسات شدید منفی در زنان خیانت دیده شده بود لذا اغلب زنان در مواجهه با این آسیب پاسخ‌های مقابله‌ای ناکارآمد برای فائق آمدن بر ناراحتی حاصل از این رویداد اتخاذ کرده بودند. از جمله: افشای خیانت همسر و درگیر کردن اطرافیان برای رسوا کردن همسر، ترک منزل، پرخاشگری و مواجهه تکانشی با افشای خیانت، تصمیم‌گیری عجولانه برای جدایی، کنترل شدید همسر، تصمیم برای جبران خیانت. مشارکت‌کننده شماره ۱ تجربه خود را این گونه توصیف کرد: (من این قدر داغون بودم و از اون متنفر بودم که نمی‌تونستم به زندگیم ادامه بدم. بعد دعوا که رفتم خونه بابام، نیومد دنبالم منم دادخواست طلاق دادم).

مضمون فرعی مشکلات هیجانی شامل مفاهیمی چون غم، خشم و عصبانیت، حسادت و احساس خجالت است که بیان‌کننده هیجانات ناخوشایندی است که زنان خیانت دیده درگیر آن هستند. مشارکت‌کننده شماره ۴ تجربه خود

را این‌گونه بیان می‌کند: "انگار غم دنیا رو دل منه"؛ و مشارکت‌کننده شماره ۱ این‌گونه احساس خود را بیان می‌کند که: "احساسم واقعاً وحشتناک بود اونقدر که نمی‌تونم توصیفش کنم. جوری که آگه همسرم جلوی دستم بود دوست داشتم خفه‌اش کنم، آن‌قدر بزمنش که حتی نتونه راه بره تا تخلیه بشم".

مضمون فرعی مشکلات روان- تنی عبارت‌اند شامل واحدهای معناداری چون سردرد، سرگیجه، اضطراب و افسردگی، مشکلات خواب، تپش قلب، نوسان فشارخون، ریزش مو و ابرو، سفید شدن موها، چین و چروک صورت، احساس درد، بی‌اشتهایی و پرخوری عصبی که این مشکلات برای نمونه در جملات شرکت‌کننده شماره ۱۲ نمود پیدا کرده است: (هر وقت که خیلی بهش فکر می‌کنم فشارم می‌ره بالا و حس می‌کنم سرم داره میترکه)

۲- آشننگی ذهن

یکی دیگر از مضامین اصلی حاصل از تجربه زنان خیانت‌دیده، آشننگی ذهن بود. خیانت نقض تعهد در رابطه دو نفره است و لذا اساس و پایه زندگی زناشویی را با بحران مواجه می‌کند و بدون شک بازگشت به روال قبل از خیانت به آسانی میسر نخواهد شد. از جمله شایع‌ترین گزارش‌های زنان خیانت‌دیده بدینی بوده است. این مضمون فرعی شامل مفاهیمی چون بدینی نسبت به همسر، بدینی نسبت به همه مردان، بدینی نسبت به آینده فرزندان و بدینی نسبت به زنان دیگر است. برای مثال مشارکت‌کننده شماره ۴: "هر وقت دیر میاد خونه و میگه کار دارم فکر می‌کنم داره بهم دروغ میگه".

بحران خیانت سبب متزلزل شدن پایه‌های زندگی مشترک می‌شود و همین امر سبب ایجاد نگرانی در زنان خیانت‌دیده خواهد شد. مضمون فرعی نگرانی شامل مفاهیمی چون نگرانی از قضاوت مردم، نگرانی از بیماری‌های مقاربتی، نگرانی از رها شدن و نگرانی از ادامه و تکرار خیانت است. از جمله مشارکت‌کننده شماره ۴ که می‌گوید: "می‌ترسم و خیلی نگرانم که شوهرم عاشق یکی دیگه بشه و من و دخترام رو رها کنه".

پیامدهای خیانت تا مدتها می‌تواند زنان خیانت‌دیده را درگیر خود کند و مشغولیت فکری حول این مسئله برای آنان ایجاد کند. نشخوار فکری یکی دیگر از مضامین فرعی است که شامل مفاهیمی چون مشغولیت فکری نسبت به جزئیات خیانت، مشغولیت فکری درباره چرایی مسئله خیانت، مرور مکرر ماجرا در ذهن و مشغولیت فکری درباره در دسترس نبودن همسر است. اکثر زنان خیانت‌دیده از جمله مشارکت‌کننده شماره ۱۱ به این مورد اشاره کرده‌اند: "مشغول هر کاری که هستم، یک‌دفعه یاد این موضوع می‌افتم و دوباره حالم بد میشه، همش از خودم می‌پرسم چطور تونست بهم خیانت کنه؟".

خیانت نوعی شکست برای زندگی مشترک محسوب می‌شود و مواجه با این شکست سبب ایجاد پشیمانی در زنان خیانت‌دیده شده و زنان در جستجوی علت خیانت گاهی خود را مقصر دانسته و فکر می‌کنند اگر به شیوه دیگری رفتار می‌کردند شاید خیانت اتفاق نمی‌افتاد. مضمون فرعی پشیمانی و خودسرزنشگری شامل مفاهیمی چون سرزنش خود برای اعتماد به همسر، سرزنش خود برای کم‌توقع بودن، سرزنش خود برای گذشت و فداکاری، پشیمانی از

ازدواج، پشیمانی از نجابت و وفاداری و پشیمانی از نثار عشق است. مشارکت کننده شماره ۷ آن دوران را این گونه توصیف می کند: "تقصیر خودم بود، من نباید اونقدر بهش اعتماد می کردم"؛ و همچنین مشارکت کننده شماره ۱۱ که نقل می کند: "خانوادم مخالف بودن و من با اصرار خودم با همسرم ازدواج کردم ولی الان پشیمونم".

مضمون فرعی تصورات منفی نسبت به خود شامل واحدهای معنادار خود کم بینی، احساس حماقت، خود زشت پنداری، احساس شکست و عذاب وجدان است. نقل قول مشارکت کننده شماره ۴: " فکر می کنم یک شکست خوردم که نتونستم زندگیم رو حفظ کنم"؛ و نقل قول مشارکت کننده شماره ۱۰: "بعضی روزها که ساعت کاریش تموم می شد و دیر می کرد، بهش زنگ می زدم و می گفتم کار دارم یک کم دیر میام و منم نهار نمی خوردم تا اون بیاد. من منتظر شوهری بودم که داشت بهم دروغ می گفت و براش مهم نبود که من تو خونه منتظرشم. فکر می کنم من خیلی احمق بودم".

خیانت سبب متزلزل شدن باورهای بنیادین مثبت نسبت به عشق، خود، زندگی، رابطه و ... می شود. مضمون فرعی تغییر در ارزش ها، باورها و معنای زندگی شامل مفاهیمی چون پوچ بودن عشق، پوچ بودن زندگی مشترک، پوچ بودن زندگی، احساس تنهایی، احساس ناامنی و از هر دست بدی از همون دست می گیری است. نمونه هایی از نقل قول مشارکت کنندگان در ذیل آورده شده است: "عشق بزرگ ترین دروغی است که آدم ها به هم میگوین، ما با عشق شروع کردیم ولی همسرم به من خیانت کرد. مگه عشق اصلاً وجود داره" و "من با هر چیزی می تونستم تو این زندگی کنار بیام جز با خیانت. وقتی همسرم به من وفادار نیست دیگه اصلاً زندگی مشترک چه معنی میده" یا "همیشه فکر می کردم من که خطایی نمی کنم پس همسرم هم بهم وفاداره. ولی نه، اینکه طرف مقابلت چه جوریه ربطی نداره به کارای تو".

۳- نابسامانی در کارکردهای ارتباطی

خیانت نه تنها بر فرد بلکه بر رابطه دو نفر و حتی فراتر از آن تأثیر خواهد گذاشت. مضمون اصلی نابسامانی در کارکردهای ارتباطی شامل مضامین فرعی انزوا، مشکلات ارتباطی با همسر، منحرف کردن مشکلات به دیگران و آشفتگی ساختار خانواده است.

زنان خیانت دیده از روی شرم و احساس گناه، احساس غم و افسردگی و از ترس افشای خیانت و مورد سؤال قرار گرفتن دوباره خیانت و نیز از ترس سرزنش و ملامت دیگران از آنان دوری می کنند. مضمون فرعی انزوا شامل مفاهیمی چون دوری گزینی از اقوام و دوستان، تمایل برای تنها بودن است. نقل قول مشارکت کنندگان: "دیگه حتی دوست ندارم پیش دوستام برم فکر می کنم الان همه تو دلشون دارن به من می خندن" و "همش دوست دارم تو اتاق تنها باشم. دیگه حوصله هیچ کس رو ندارم، حتی خانواده خودم. واقعاً اگر مجبور نبودم از خونه بیرون نمی رفتم".

روابط زناشویی تحت الشعاع پدیده خیانت قرار می گیرد چراکه زنان خیانت دیده احساسات ناخوشایندی نسبت به همسر خود تجربه می کنند. مضمون فرعی مشکلات ارتباطی با همسر شامل مفاهیمی مانند کاهش صمیمیت، عدم

تمایل برای برقراری رابطه جنسی، زیاد شدن بیانات غیرمستقیم، کم شدن احترام و ارزش‌گذاری به همسر خیانت‌کار و افزایش خشم و پرخاشگری میان زن و شوهر است. مشارکت کنندگان در این باره بیان کردند که: "دیگه اون احساس نزدیکی رو که بخوام حرف‌هام رو بهش بزنم ندارم" و "هر وقت فکر می‌کنم که شوهرم با یکی دیگه رابطه داشته دیگه هیچ تمایلی واسه رابطه جنسی باهاش ندارم" و "وقتی باهم رابطه داریم حس می‌کنم داره بهم تجاوز می‌کنه و خیلی اذیت می‌شم" و "شوهرم خیلی جانماز آب میکشه و همیشه دم از شرافت میزنه، منم اون روز تو مهمونی گفتم که کاش آدم‌ها به حرف‌هایی که میگن معتقد باشن" و "اون با خیانت به من بی‌احترامی کرده من چطور می‌تونم دیگه به اون احترام بگذارم".

مضمون فرعی منحرف کردن مشکلات به دیگران از همسویی واحدهای معنادر محدود کردن روابط با خانواده همسر، ناسازگاری و افزایش مشاجرات با خانواده همسر و محدود کردن روابط با دوستان همسر حاصل شده است. مشارکت کنندگان این‌گونه بیان کردند: "من قبلاً با فامیل‌های شوهرم بیشتر رفت‌وآمد می‌کردم ولی الان ترجیح می‌دم سرم تو زندگی خودم باشه و کسی رو تو زندگیم راه ندم" و یا "مادر شوهرم خیلی بین و من جاریم فرق می‌گذاره و من خیلی از این موضوع ناراحت می‌شم و هر بار که می‌ریم خونه مادر شوهرم و برمی‌گردیم سر این موضوع دعوا می‌شه. اصلاً خونواده شوهرم با این کاراشون باعث شدن من و شوهرم هی باهم دعوا کنیم و روزه‌روز از هم دور بشیم و واقعاً دیگه الان تحمل رفتارهاشون رو ندارم و اگه چیزی بگن، جوابشون رو می‌دم".

برجسته بودن مسئله خیانت نسب به سایر مشکلات و زیر سؤال رفتن بنیان خانواده سبب آشفتگی ساختار خانواده به نسبت قبل می‌گردد. مضمون فرعی آشفتگی ساختار خانواده شامل مفاهیم تشکیل ائتلاف والد کودک به دلیل سست شدن تعهد والدینی و وابستگی شدید به فرزند خردسال برای جبران کمبود عاطفی در رابطه با همسر است. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ در این مورد با جزئیات توضیح می‌دهد: "همه زندگیم شده پسر، بعضی وقت‌ها که بیرون کاری دارم مامانم میگه بیارش پیش من و برو کارت رو انجام بده، ولی اصلاً نمی‌تونم. وقتی کنارم نیست خیلی نا-آروم. ترجیح می‌دم همیشه کنار خودم باشه".

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجربه زیسته‌ی زنان آسیب‌دیده از روابط فرازنشویی همسر در شهر سنج انجام شد. پس از انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان، مضامین اصلی افزایش مشکلات در زندگی، آشفتگی ذهن و نابسامانی در کارکردهای ارتباطی برای توصیف تجربه زیسته زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر به دست آمد.

اولین مضمون اصلی، افزایش مشکلات در زندگی بود که بدون شک خیانت زنشویی به افراد و روابط آن‌ها صدمه می‌زند و مشاهدات بالینی و بررسی‌های علمی نشان می‌دهند که برملا شدن خیانت زنشویی تأثیر مخرب، تکان‌دهنده و شدیدی بر زوج‌ها می‌گذارد. خیانت سبب بروز مجموعه‌ای از تعارض‌ها، ناآرامی‌ها و تنش‌ها در زنان خیانت‌دیده می‌شود که بسیار گسترده‌تر از سایر مشکلات زنشویی است. زنان مشارکت‌کننده اذعان کردند که افشای خیانت، اختلافات

را شدیدتر و مشکلات جدیدتری به وجود آورده است. از جمله‌ی این مشکلات، پرخاشگری و مواجهه تکانشی با افشای خیانت بود که تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان آن را گزارش کردند. هر فرد با توجه به سبک شخصی و در اثر یادگیری، روش خاص خود را برای مواجهه‌شدن با ناراحتی‌های ناشی از زندگی مشترک دارد. از آنجاکه خیانت زناشویی موجب برانگیختن احساسات شدید منفی در زنان خیانت‌دیده شده بود لذا اغلب زنان در مواجهه با این آسیب پاسخ‌های مقابله‌ای ناکارآمد برای فائق آمدن بر ناراحتی حاصل از این رویداد اتخاذ کرده بودند. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این بود که بسیاری از زنان به این نکته اشاره کردند که در صورت تکرار خیانت، احتمال تصمیم آنان برای جدایی افزایش خواهد یافت. هرچند که خیانت یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای طلاق است، اما مسئله قابل توجه این است که هیجانات شدید می‌تواند فرد را در تله‌ی تصمیم‌گیری‌های عجولانه قرار دهد. در پژوهش‌های گوناگونی به طلاق به‌عنوان یکی از پیامدهای خیانت زناشویی اشاره شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش‌های (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016)، (Negash et al., 2014)، (Confer & Cloud, 2011)، (Newport & Himelfarb, 2013) اشاره کرد. همچنین پژوهش‌های (Sear, 2015) و (Lampard, 2013) (Negash et al., 2014) بیان می‌کنند که خیانت به میزان قابل توجهی با انحلال رابطه در ارتباط است. در پژوهش کمالی و همکاران (۱۳۹۷) که مطالعه پدیدار شناختی است و به بررسی تجربه زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر در شهر شیراز می‌پردازد نیز پرخاشگری یکی از یافته‌های پژوهش بوده است که همسو با یافته‌های این پژوهش است. کنترل شدید همسر یکی دیگر از یافته‌های پژوهش بود. از آنجاکه خیانت زناشویی نوعی نقض تعهد در رابطه دونفره است که در غالب موارد با پنهان‌کاری همراه است، پس باور همسر آسیب‌دیده را نسبت به وفاداری و پابندی به تعهدات زناشویی خدشه‌دار می‌کند و سبب ایجاد بدبینی در همسر آسیب‌دیده می‌گردد و همین امر نوعی احساس ناامنی در همسر آسیب‌دیده ایجاد کرده و او را ترغیب به کنترل کردن همسر خیانت‌کار می‌کند. افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی و وابسته از آنجاکه تمایل بالایی به حفظ ارتباط دارند، در هنگام افشای خیانت همسر روش‌هایی مانند تحت نظر قرار دادن همسر و مراقبت از رفتارهای وی را نشان می‌دهند و امکان‌های دیگر را کمتر مورد توجه قرار می‌دهند. تنها یکی از مشارکت‌کنندگان تصمیم برای جبران خیانت را گزارش کرد و دلیل او برای تصمیم به چنین اقدامی، خیانت‌های مکرر همسر بود و اینکه او با وجود بخشش همسر و تلاش برای بازسازی رابطه، بازهم با خیانت همسر مواجه شده بود. این یافته با پژوهش (Brewer et al., 2015) که انتقام را یکی از واکنش‌های همسر خیانت‌دیده بیان می‌کند، همسو است. یکی دیگر از شیوه‌های مقابله‌ای ناکارآمد در برابر خیانت، افشای خیانت همسر و درگیر کردن اطرافیان برای رسوا کردن همسر بود. البته تعداد زنانی که از این روش برای واکنش به خیانت استفاده کرده بودند بسیار معدود بود و حتی در تعداد بیشتری از زنان، نگرانی از قضاوت دیگران سبب شده بود که موضوع را کاملاً از اطرافیان پنهان کنند که این موضوع می‌تواند کاملاً وابسته به فرهنگ و هنجارهای خاص فرهنگی باشد.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که زنی که قربانی خیانت شده است دچار، مشکلات روان‌تنی و هیجانی نیز می‌شود. پژوهش‌های گوناگونی با این یافته‌ها همسو است. از جمله پژوهش (Gordon et al., 2004) و (Olson et al.,

2002) نشان دادند که فرد آسیب‌دیده از خیانت زناشویی عواطف شدید مانند احساس خشم نسبت به فرد خطاکار و احساسات درونی خجالت، افسردگی و بی‌رمقی طاقت‌فرسا را تجربه می‌کند. همچنین یافته‌های پژوهش درباره احساس حسادت همسو با یافته‌های (Sear, 2015) است. مشکلات جسمی و کاهش سلامتی در پژوهش (Rhoades et al., 2011) و (Sear, 2015) نیز گزارش شده است. در خصوص اضطراب و افسردگی، یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016) همسو است. پژوهش (Snyder, 2005) نیز خیانت را یکی از قوی‌ترین دلایل ایجاد استرس برای همسران بیان کردند و افشای خیانت را موجب مشکلات روانی - اجتماعی و آسیب به سلامت فردی می‌دانند. این یافته‌ها با پژوهش آسایش و همکاران (۱۳۹۶) که نشان داد زنان قربانی بی‌وفایی همسر دچار واکنش‌های روان‌تنی و آثار جسمانی می‌شوند، همسو است.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش، مضمون اصلی آشفتگی ذهن بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که آشفتگی ذهن از جمله پیامدهای خیانت زناشویی در همسر آسیب‌دیده است. مضامین فرعی بدبینی و نگرانی، نشخوار فکری، خودسرنشگری و پشیمانی، تصورات منفی نسبت به خود، تغییر در ارزش‌ها، باورها و معنای زندگی نیز مضمون اصلی آشفتگی ذهن را تشکیل دادند. از آنجا که خیانت نقض تعهد در رابطه دونفره است و باورهای فرد مبنی بر وفاداری را زیر سؤال می‌برد لذا همسر خطاکار غیرقابل‌پیش‌بینی و غیرقابل‌اعتماد می‌شود و همین امر سبب ایجاد بدبینی به همسر خطاکار می‌گردد (Peluso & Spina, 2008). نیز بدبینی را به دلیل زیر سؤال رفتن معنا و اهمیت پیوند زناشویی در افشای خیانت، یکی از پیامدهای خیانت در همسر آسیب‌دیده می‌دانند؛ که این یافته با یافته‌های پژوهش (Touesnard, 2009) و (Fife et al., 2013) همسو است. به‌علاوه نگرانی در زمینه‌های گوناگون توسط بسیاری از مشارکت‌کنندگان گزارش شد. در پژوهش (Sear, 2015) نگرانی و ترس از انتقال بیماری‌های جنسی یکی از پیامدهای خیانت در همسران آسیب‌دیده گزارش شده است. افشای خیانت، بحرانی ناگهانی برای زوجها است چراکه باورهای قبلی آنان را در خصوص وفاداری، اعتماد و عشق زیر سؤال می‌برد و لذا با ایجاد احساس ناامنی در همسر آسیب‌دیده، نگرانی از رها شدن و تنها ماندن ایجاد می‌کند و پایه‌های زندگی مشترک را متزلزل می‌سازد. نگرانی از رها شدن با یافته‌ی پژوهش (Peluso, 2007) و (Gordon et al., 2004) که خیانت همسر را برای زنان نوعی رهاشدگی عاطفی بیان می‌کنند، همسو است. از آنجا که موضوع خیانت، وابسته به فرهنگ است و ما این مسئله را در بافت فرهنگی خاص این منطقه بررسی کردیم لذا یکی از نگرانی‌های گزارش شده زنان آسیب‌دیده نگرانی از قضاوت دیگران بود. شاید این نگرانی به دلیل ارتباطات بیشتر افراد، نگاه مردسالارانه به مسئله خیانت که قصور زن را سبب خیانت مرد می‌داند و همچنین تأثیر مخربی که خیانت بر روی اعتماد به نفس و احساس خودارزشمندی زنان می‌گذارد، ناشی می‌شود.

یکی دیگر از یافته‌های پژوهش نشخوار فکری بود. در پژوهش (Gordon et al., 2004) جستجوی علت خیانت یکی از اولین واکنش‌های فرد به خیانت عنوان شده است. همچنین پژوهش کمالی و همکاران (۱۳۹۷) نیز اشتغال فکری با چرائی رویداد را یکی از پیامدهای خیانت زناشویی بیان می‌کند. خیانت همسر، منجر به درهم شکستن فرضیه‌های

اساسی فرد در مورد زندگی زناشویی می‌شود و در نهایت به افکار و سواس گونه در مورد خیانت، گوش‌به‌زنگی و افکار بازگشتی خواهد انجامید. فرد پس از افشای خیانت همسر، جزئیات رابطه و وقایعی را که به خیانت منجر شده با حالت وسواسی در مغز خود مرور می‌کند. کنترل و زیر نظر گرفتن همسر نیز یکی از اشکال رفتار وسواسی است (مؤمنی جاوید، ۱۳۹۰). از آنجا که خشم یکی از مشکلات هیجانی افراد قربانی خیانت است، در مواردی این خشم متوجه خود فرد می‌شود و فرد نسبت به خودش به دلیل اعتماد بی‌اندازه به همسر و غفلت از نشانه‌های شک‌برانگیز خشمگین می‌شود و همین امر سبب خودسرزنی خواهد شد. از آنجا که خیانت به نوعی با از دست دادن همراه است و تجربه‌ی شکست را تداعی می‌کند لذا باعث احساس پشیمانی و تغییر در باورها، ارزش‌ها و معنای زندگی می‌شود؛ که این یافته با پژوهش (resick, Calhoun, 2001) که بیان می‌کند، پیمان‌شکنی همسر به‌عنوان یک رویداد استرس‌زا بر باورهای فرد تأثیر می‌گذارد، همسو است. همان‌طور که اشاره شد، خیانت، باورهای مثبت فرد نسبت به خود را زیر سؤال می‌برد. لذا ایجاد تصورات منفی نسبت به خود می‌تواند از پیامدهای افشای خیانت به شمار آید که البته این موضوع می‌تواند همبستگی بالایی با زمینه‌ی فرهنگی که این زنان در آن رشد یافته‌اند داشته باشد؛ که یافته‌های پژوهش درباره‌ی کاهش اعتماد به نفس با پژوهش (O'Connor et al., 2014) همسو است.

تغییر در کارکردهای ارتباطی، یکی دیگر از یافته‌های پژوهش بود. این مضمون اصلی از همسویی مضامین فرعی انزوا، مشکلات ارتباطی با همسر، منحرف کردن مشکلات به دیگران و آشفتگی ساختار خانواده به دست آمد. انزوای اجتماعی، یکی از مفاهیم گزارش شده بود که می‌توان گفت در بسیاری از این زنان گزارش شد، اما تفاوت‌هایی در این مسئله وجود داشت. تعدادی از این زنان به‌طور کلی تمایلی برای ارتباط با دیگران نداشتند و تعدادی دیگر محدوده‌ی دایره ارتباطات خود را تغییر داده بودند. در تبیین نظری این مسئله می‌توان گفت، با توجه به اینکه تصورات منفی نسبت به خود از جمله پیامدهای افشای خیانت در همسر آسیب‌دیده است، لذا کاهش اعتماد به نفس و صدمه به احساس خودارزشمندی و همچنین مسئله بسیار مهمی مانند خود زشت پنداری در زنان آسیب‌دیده، تمایل آنان برای حضور در جمع و ارتباط داشتن با دیگران را به شدت کاهش می‌دهد. همچنین زنان آسیب‌دیده ممکن است برای اینکه مجبور نباشند به سؤالات دیگران پیرامون مشکل پیش آمده توضیح دهند از دیگران فاصله می‌گیرند. البته این مسئله تا حدی می‌تواند وابسته به فرهنگ و زمینه باشد. مشکلات ارتباطی با همسر نیز از جمله یافته‌های پژوهش بود که فراوانی بسیار بالایی در گزارش‌های مشارکت‌کنندگان داشت، این مضمون فرعی از همسویی مفاهیمی چون کاهش صمیمیت، عدم تمایل برای برقراری رابطه جنسی، کاهش مشارکت عاطفی، عدم تمایل برای وقت‌گذرانی با همسر، زیاد شدن بیانات غیرمستقیم، افزایش خشم و پرخاشگری میان زن و شوهر، کم شدن احترام و ارزش‌گذاری به همسر خیانت‌کار به دست آمد. یافته‌های پژوهش با یافته‌ی پژوهش (Stanford & AXIS Healthcare Group, 2016) که عنوان کرد که پس از افشای خیانت حتی اگر زوج به زندگی مشترکشان ادامه دهند تا یک سال با پریشانی روبه‌رو هستند و خشونت خانوادگی و ناراحتی زناشویی از جمله پیامدهای خیانت هستند، همسو است. از جمله پژوهش‌های دیگر که در همسویی با یافته‌های پژوهش مبنی بر مشکلات ارتباطی

همسران پس از افشای خیانت است پژوهش (Lusterman, 2005) و (P. R. Amato & Hohmann-Marriott, 2007) است که درگیری بین فردی، ناآرامی خانواده، خشونت و پریشانی را از جمله پیامدهای خیانت بیان کرده است. یافته‌های پژوهش (Snyder et al., 2007) و (Shackelford et al., 2008) نیز همسو با نتایج پژوهش نشان داد که خیانت یکی از عوامل و دلایل اساسی تعارضات زناشویی است؛ که پیامدهای مضرری بر خانواده می‌گذارد (Nemeth, 2012). (Bonomi, Lee, & Ludwin, 2012).

همچنین مضمون فرعی منحرف کردن مشکلات به دیگران از همسویی ۳ مفهوم، محدود کردن روابط با خانواده همسر، ناسازگاری و افزایش مشاجرات با خانواده همسر و محدود کردن روابط با دوستان همسر به دست آمد. یافته‌های پژوهش با پژوهش (Negash et al., 2014) که بیان می‌کند خیانت تأثیر عمیقی بر سیستم‌های اجتماعی دارد، همسو است. آشفستگی ساختار خانواده نیز از دیگر یافته‌های پژوهش بود که دربرگیرنده دو مفهوم تشکیل ائتلاف والد-کودک و وابستگی شدید به فرزند خردسال بود. وقتی بی‌وفایی والدین برای فرزندان افشا می‌شود، ستون‌های اعتماد به والد خیانت‌کار ویران می‌گردد و باعث کاهش میزان احترام و ارزش والد خطاکار می‌شود و والد خیانت‌دیده از دیدگاه فرزندان یک قربانی به شمار می‌آید که این امر سبب ایجاد ائتلاف با والد خیانت‌دیده می‌گردد. همچنین به دلیل سست شدن تعهد والدینی و پریشانی روانی والد خیانت‌دیده، همسر خیانت‌دیده بالأخص زنان، برای جبران صمیمیت از دست‌رفته نوعی وابستگی شدید به فرزند خردسال پیدا می‌کند که اضطراب نیز می‌تواند آن را تشدید کند.

در نتیجه آگاهی از تجارب افراد خیانت‌دیده و شناخت حالات روانی و انتظارات و نیازهای آنان، این امکان را فراهم می‌کند که با آموزش همسران پیمان‌شکن از برخوردهای مخرب با مسئله کاست و با برآورده کردن انتظارات و نیازهای فرد مورد بی‌وفایی قرار گرفته، احتمال بهبود او و ماندن در رابطه را افزایش داد. شناخت دامنه‌ی وسیع پیامدهای پیمان‌شکنی می‌تواند روش صحیح مدیریت بحران و واکنش مؤثر به همسر خیانت‌دیده را مرتفع کند و همچنین با شناخت حالات روانی فرد آسیب‌دیده، درمانگران می‌توانند با همدلی بهتر با افراد قربانی خیانت و رسیدگی به تمام ابعاد هیجانی، فکری و رفتاری مسئله، احتمال موفقیت جلسات درمانی را افزایش دهند. البته آگاه‌سازی جامعه از یافته‌های پژوهش می‌تواند کمکی در جهت پیشگیری از وقوع روابط فرازنشویی باشد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. با توجه به حساسیت موضوع روابط فرازنشویی برای افراد و جامعه، راضی کردن افراد واجد شرایط برای شرکت در پژوهش و انجام مصاحبه و ضبط مصاحبه‌ها بسیار دشوار بود و زمان طولانی صرف این مسئله شد و همین امر مانعی بر سر همگن کردن نمونه بود. از طرف دیگر به دلیل اینکه مصاحبه‌ها با زبان کردی انجام شد و لازم بود که تمامی مصاحبه کلمه به کلمه به زبان فارسی رونوشت شود لذا بازگردانی بعضی از اصطلاحات یک موضوع قابل توجه بود. با توجه به اینکه پژوهش به بررسی تجارب زنان از خیانت همسر پرداخته لذا تعمیم یافته‌ها به کل افراد خیانت‌دیده امکان‌پذیر نیست. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌هایی به بررسی تجربه زیسته مردان آسیب‌دیده از روابط فرازنشویی همسر و تفاوت‌های مردان و زنان در واکنش به خیانت همسر و بررسی دلایل ادامه زندگی

مشترک در افراد خیانت دیده پرداخته شود. البته آگاهی از تجربه زیسته افراد خیانت دیده در بافت فرهنگی خود می-تواند احتمال موفقیت درمان در جلسات با موضوع بحث خیانت را افزایش دهد.

تعارض منافع. این مقاله استخراج شده از نتایج پایان نامه دوره کارشناسی ارشد است.

سپاسگزاری. نویسندگان از تمامی بانوان مشارکت کننده در این پژوهش قدردانی کرده و همچنین مراتب سپاس و قدردانی از جناب آقای دکتر آرمان عزیزی به جهت همکاری در گردآوری یافته‌ها به عمل می‌آید.

References

- Ahmadi, H. (2005). *The Sociology of Deviations*. Tehran. Smat Publications. [Persian]
- Asayesh, M. H., Farahbakhsh, K., Delavar, A., Salimi Bajestani, H. (2017). Psychosomatic Reactions and Physiological Effects of Infidelity among the Female Victims: A Phenomenological Study. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*, 25 (8):641-657. [Persian]
- Amato, P. R., & Hohmann-Marriott, B. (2007). A comparison of high-and low-distress marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, 69(3), 621-638.
- Bahrami, F., Rezwan, Sh. (2007). Sexual infidelity and its psychological factors. *Fifth Seminar of Iranian Counseling Society, Tehran: Association of Parents and Trainers*. [Persian]
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships ii: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 217-233.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. *Personality and Individual Differences*, 83, 122-127.
- Chohaney, M. L., & Panozzo, K. A. (2018). Infidelity and the Internet: The Geography of Ashley Madison Usership in the United States. *Geographical Review*, 108(1), 69-91.
- Colaizzi, P. F. (1978). Psychological research as the phenomenologist views it.
- Confer, J. C., & Cloud, M. D. (2011). Sex differences in response to imagining a partner's heterosexual or homosexual affair. *Personality and Individual Differences*, 50(2), 129-134.
- Fathi, M., Fekazad, H., Ghaffary, G., & Bolhari, J. (2014). Recognizing the Fundamental Factors of Married Men Engaged in Marital Infidelity. *Social Welfare Quarterly*, 13 (51):109-131. [Persian]
- Fife, S. T., Weeks, G. R., & Stellberg-Filbert, J. (2013). Facilitating forgiveness in the treatment of infidelity: An interpersonal model. *Journal of Family Therapy*, 35(4), 343-367.
- Glass, S. P. (2002). (Couple therapy after the trauma of infidelity *Clinical handbook of couple therapy, 3rd ed.* (pp. 488-507). New York, NY, US: The Guilford Press.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., & Snyder, D. K. (2004). An integrative intervention for promoting recovery from extramarital affairs. *Journal of Marital and Family Therapy*, 30(2), 213-231.
- Guitar, A. E., Geher, G., Kruger, D. J., Garcia, J. R., Fisher, M. L., & Fitzgerald, C. J. (2017). Defining and distinguishing sexual and emotional infidelity. *Current Psychology*, 36(3), 434-446.

- Habibi Askarabad, M., Hajiheydari, Z. (2015). A Qualitative Study for Investigating the Reasons of Sexual Infidelity of Couples who have Asked for Divorce in Family Court. *Journal of Family Research*, [S.l.], 11 (2): 165-186. [Persian]
- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2009). Psychological distress: Precursor or consequence of dating infidelity? *Personality and Social Psychology Bulletin*, 35(2), 143-159.
- Hassanabadi, H., Mojarrad, S., Soltanifar, A. (2012). The Evaluation of Emotionally Focused Therapy (EFT) on Marital Adjustment & Positive Feeling of Couples with Extra Marital Relations. *Research in Clinical Psychology and Counseling*. 1(2):25-38. [Persian]
- Jain, G., & Sen, S. (2018). Adultery in the Age of technology: complexities and methodological challenges in studying internet infidelity *Internet infidelity* (pp. 31-43). singapore: Springer.
- Lampard, R. (2013). Stated reasons for relationship dissolution in Britain: Marriage and cohabitation compared. *European Sociological Review*, 30(3), 315-328.
- Lusterman, D. D. (2005). Helping children and adults cope with parental infidelity. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1439-1451.
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2015). Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 41(5), 487-497.
- Momeni, M., Shoaakazemi, M. (2012). The study of couple psychotherapy on recovery quality of life in traumatic couple of infidelity in Tehran. *Journal of Research & Health*, 1(1):54-62. [Persian]
- Momeni, M., & Shoa-Kazemi, M. (2012). Effectiveness of psychotherapy interventions to forgive marital infidelity among married women in Tehran during 2010-2011. *J Social Research*, 18(6), 139-155.
- Momeni, M., Shoa Kazemi, M. (2011). Theoretical perspectives on marital infidelity and relationship improvement with emphasis on practical counseling strategies. Tehran: Avai Noor Publications. [Persian]
- Mosko, J. E. (2009). *Commitment and attachment dimensions: Contributions to adult attachment development*. (Ph.D), Purdue University.
- Negash, S., Cui, M., Fincham, F. D., & Pasley, K. (2014). Extradyadic involvement and relationship dissolution in heterosexual women university students. *Archives of Sexual Behavior*, 43(3), 531-539.
- Newport, F., & Himelfarb, I. (2013). In US, record-high say gay, lesbian relations morally OK. *Gallup Politics*.
- O'Connor, J. M., Pisanski, K., Tigue, C. C., Fraccaro, P. J., & Feinberg, D. R. (2014). Perceptions of infidelity risk predict women's preferences for low male voice pitch in short-term over long-term relationship contexts. *Personality and Individual Differences*, 56, 73-77.
- Olson, M. M., Russell, C. S., Higgins-Kessler, M., & Miller, R. B. (2002). Emotional processes following disclosure of an extramarital affair. *Journal of Marital and Family Therapy*, 28(4), 423-434.
- Pazhoohi, F., Silva, C., Pereira, L., Oliveira, M., Santana, P., Rodrigues, R., & Arantes, J. (2017). Is imagination of the infidelity more painful than actual infidelity? *Current Psychology*, 1-7.

- Peluso, P. R. (2007). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis* (J. Carlson Ed.). New York: Routledge.
- Peluso, P. R., & Spina, P. (2008). Understanding infidelity: Pitfalls and lessons for couples counselors. *The Family Journal*, 16(4), 324-327.
- Pinto, R., & Arantes, J. (2016). The relationship between sexual and emotional promiscuity and infidelity. *Athens Journal of Social Sciences*, X, 1-14.
- Rhoades, G. K., Kamp Dush, C. M., Atkins, D. C., Stanley, S. M., & Markman, H. J. (2011). Breaking up is hard to do: The impact of unmarried relationship dissolution on mental health and life satisfaction. *Journal of Family Psychology*, 25(3), 366.
- Schwartz, P., & Rutter, V. (1998). *The gender of sexuality*: Rowman & Littlefield Publishers.
- Sear, R. (2015). Infidelity. In P. W. a. A. Bolin (Ed.). *International Encyclopedia of Human Sexuality*: John Wiley & Sons.
- Shirdel, M. (2006). The Tendency Factors of Married Men and Women to Sexual Unlawful Relationship. *refahj. Social Welfare Quarterly*, 6 (22):133-148. [Persian]
- Silva, A. É., Saraiva, M., Albuquerque, P. B., & Arantes, J. (2017). Relationship quality influences attitudes toward and perceptions of infidelity. *Personal Relationships*, 24(4), 718-728.
- Snyder, D. K., & Doss, B. D. (2005). Treating infidelity: Clinical and ethical directions. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1453-1465.
- Stanford, P. S., & AXIS Healthcare Group, U. (2016). Infidelity in the United
- Starratt, V. G., Weekes-S, V., & Shackelford, T. K. (2017). Mate value both positively and negatively predicts intentions to commit an infidelity. *Personality and Individual Differences*, 104, 18-22.
- Touesnard, L. (2009). *What's lve gt to d with It? A sudy of the efects of ifidelity on cntemporary cuples*. University of Waterloo.
- Twenge, J. M., Campbell, W., K., & Foster, C. A. (2003). Parenthood and marital satisfaction: a meta-analytic review. *Journal of Marriage and Family*, 65(3), 574-583.